

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

اشرف دهقانی
۰۸ مارچ ۲۰۱۶

گرامی باد روز جهانی زن!

با درود به زنان ستمدیده ایران! درود بر زنان کارگر و زحمتکش ایران! و درود بر زنانی که از هر فرصتی برای مبارزه در جهت سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی استفاده می کنند. روز جهانی زن بر شما مبارک باد! می دانیم که در جامعه سرمایه داری که مرد سالاری جزئی از ذات آن است، ستم بر زن امری همیشگی است. بارها تأکید شده است که تنها با نابودی این سیستم و به وجود آمدن جامعه ای عاری از طبقات استثمارگر و استثمار شده می توان بر ستم هائی که بر زنان وارد می شود، نقطه پایان گذاشت. اما اگر به طور مشخص جامعه خودمان، ایران را در نظر بگیریم آیا می توان گفت که برای نجات زنان از اسارت، راه میانه ای هم وجود دارد؟ آیا با حفظ سرمایه داری حاکم بر جامعه ایران که یک سیستم وابسته به امپریالیسم می باشد و با وجود رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی که با استفاده از ارتجاعی ترین قوانین مذهبی مدافع و حافظ این سیستم است می توان راه میانه رفت؟ می توان با انجام رفرم یا به عبارت دیگر با اصلاحات از بار وحشتناک ظلم و ستم بر زنان و سرکوب و دیکتاتوری که آن ها را در منگنه خود گرفته است کاست و تا حدی آزادی زنان محروم و رنج دیده را تأمین نمود؟

در سال های گذشته که با روی کار آمدن سید خندان یعنی خاتمی، بازار به اصطلاح اصلاحات گرم بود، زنان طبقات مرفه و یا کسانی که با گفتارها و نوشته های رفرمیستی شان منافع آن زنان را بیان می کردند ، کوشش زیادی به عمل آوردند که "راه میانه" را به اکثریت زنان ایران که متعلق به طبقات محروم جامعه هستند، بقبولانند. اما خود واقعیت های زندگی در زیر سیطره جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری حاکم حتی بیشتر از هر دلیل و استدلالی ، نادرستی و فریبکارانه بودن این "راه" را به ثبوت رساند. دیدیم که دیکتاتوری حاکم حتی به این زنان رفرمیست هم امکان تشکل یا گردهم آئی و یا حداقل برپائی آزادانه سال یکبار مراسم جهانی زن را نداد؛ و این واقعیت خود نشان داد که در جامعه ایران با رفرم و اصلاحات نمی توان به آزادی دست یافت و با این روش ها نمی توان بار طاقت فرسای ظلم و سرکوب و توهین و تحقیر را از گردن زنان ستمدیده و محروم جامعه برداشت.

اما با همه این اوضاع شاهدیم که رسانه های گوناگون امپریالیستی که از طریق ماهواره برای ایرانیان برنامه پخش می کنند با ترفندهای گوناگون از زبان این یا آن به اصطلاح کارشناس و جامعه شناس - که این القاب البته بیشتر خاصیت مرعوب کنندگی دارند تا مبین واقعاً سواد سیاسی آن ها باشند - می کوشند با تقبیح قهر انقلابی و راه انقلاب همان اندیشه های اصلاح طلبانه در رابطه با مسأله زنان را به خورد شنوندگان و بینندگان برنامه های خود بدهند. بر چنین اساسی

باید در این فرصت تأکید کنیم که کافی نیست همانند این قبیل مبشران اصلاح طلبی از لیست بی‌شمار ستم‌هایی که رژیم زن‌ستیز جمهوری اسلامی بر زنان تحمیل کرده است مواردی ذکر شود - از تلاش‌های این رژیم برای حفظ سنت‌های ارتجاعی گذشته علیه زنان گرفته تا اعمال خشونت بر زنان از طریق قوانین شرعی، از جدائی انداختن بین زن و مرد تا به بند کشیدن آزادی زنان در انتخاب پوشش، از بیکار سازی زنان تا پرداخت حقوق و دستمزد نابرابر به آنان. حتی کافی نیست که صرفاً از سرکوب و وحشیانه مبارزات زنان توسط جمهوری اسلامی سخن گفته شود. بیان چنین اموری هر چند در جای خود مثبت است اما تنها بیانگر یک بخش از واقعیت می‌باشد. واقعیت دیگر که از اهمیت اساسی برخوردار است ولی توسط این "کارشناسان" و "جامعه‌شناسان" پنهان می‌گردد، این است که باید ببینیم هر کس یا هر نیروی سیاسی با انگشت گذاشتن روی یک سری واقعیت‌ها که برای خود زنان ایران نیز کاملاً آشکار است چه راه حلی برای پایان دادن به ستم و سرکوب علیه زنان ارائه می‌دهد. راه اصلاح طلبی و یا راه انقلاب را؟ راهی برای اصلاح رژیم اصلاح‌ناپذیر حاکم و یا راه سرنگونی جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه‌داری در ایران؟ که این امر البته تنها با قطع قطعی هر گونه نفوذ امپریالیست‌ها در جامعه ما امکان‌پذیر می‌باشد.

می‌دانیم که اصلاح‌طلبان امروز در جامعه ایران به حدی رسوا هستند که گاه برخی از نیروهایی که به واقع مبشر ایده‌های غیر انقلابی آن‌ها هستند چهره واقعی خود را از مردم پنهان می‌کنند. آن‌ها خود را مدافع حقوق زنان جلوه می‌دهند و از ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و حتی نابودی امپریالیسم هم سخن می‌گویند ولی وقتی پای راه حل برای رهایی زنان به میان می‌آید، بسیج شدن زنان علیه مردان را توصیه می‌کنند و یا حداکثر زنان را به مبارزه ای جدا از مردان با رژیم حاکم تشویق می‌کنند. این راه حل نیز در نهایت به حفظ وضع موجود کمک می‌کند. چون زنان طبقات ستمکش تنها در اتحاد با مردان هم طبقه خود قادر به رهایی خود از نظام زن‌ستیز حاکم هستند و اگر در این اتحاد خللی ایجاد شود، از این امر خواهی نخواهی تنها دشمنان سود خواهند برد. در نتیجه آن‌هایی که زنان را در مقابل مردان قرار داده و در اتحاد آن‌ها علیه دشمنان شان تفرقه ایجاد می‌کنند، هر چه قدر هم علیه رژیم و امپریالیسم شعار دهند در نهایت زنان را از رسیدن به خواست‌های به حق شان باز می‌دارند. بیهوده نیست که این قبیل مبلغان نه هرگز قادر شدند مبارزه زنان سلحشور ایران در جنبش توده‌ئی سال ۸۸ را درک کنند و نه غرض سلاح‌های زنان رزمنده کوبانی علیه داعش، این سگ زنجیری جدید امپریالیست‌های غرب و در رأس آن‌ها امریکا، آن‌ها را به خود آورد. آن‌ها حتی زبان به شکوه گشودند و ایراد گرفتند که این زنان انقلابی با شرکت در یک جنبش عمومی و با ایستادن در کنار مردها حقوق زنانه خود را فراموش کرده‌اند! به زعم این قبیل توصیه‌ها، گویا زنان به صرف زن بودن شان باید صف خود را از مردان جدا کرده و با خود زنان متحد شوند. اما واقعیت این است که زنان طبقات محروم برای رهایی خود منافع مشترکی با زنان طبقات مرفه ندارند و تجربه نشان داده است که زنان متعلق به طبقه سرمایه‌دار در جریان مبارزه هر جا پیش‌آید در کنار مردان هم طبقه شان ایستاده و علیه اکثریت زنان تحت ستم عمل می‌کنند. اتفاقاً ما امروز در رابطه با مضحکه انتخاباتی اخیر جمهوری اسلامی شاهدیم که زنان مرفه علی‌رغم این که می‌دانند که در این رژیم از حقوق مساوی با مردان هم طبقه خود برخوردار نیستند و برخی از آن‌ها حتی با عنوان فمینیست، مدعی دفاع از حقوق زنان می‌باشند ولی درست در تضاد با زنان رنج‌دیده جامعه که سرنگونی جمهوری اسلامی و یک انقلاب واقعی خواست قلبی آن‌هاست، به صحنه آمده و برای سرپا نگهداشتن این رژیم که به صرافت گرفتن رأی از مردم افتاده است تا با فریب افکار عمومی به حاکمیت خود مشروعیت ببخشند، دیگران را به رأی دادن تشویق می‌کنند. این عمل آن‌ها دقیقاً بیانگر آن است که حفظ منافع طبقاتی که برای این زنان با وجود رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی تأمین می‌شود، آن قدر مهم است که حاضر به قبول هر قانون ضد زن و هر خفت و خواری می‌باشند؛ و

همین ثابت می کند که بین زنان متعلق به جبهه سرمایه داری و زنان کارگر و زحمتکش و ستمدیده ، علی رغم زن بودن شان دره عمیقی وجود دارد، دره ای که با توصیه ها و تبلیغاتی از آن نوع که در امر همبستگی زنان با مردان در مبارزه علیه دشمنان شان خلل ایجاد می کنند، پر شدنی نیست. چه "اصلاح طلبان" و چه آن ها که اصلاح طلبی خود را در پوشش عبارات انقلابی می پوشانند و ظاهراً برای زنان تحت ستم ایران دل می سوزانند ، هر وقت این زنان رنج دیده علیه جمهوری اسلامی به پا می خیزند خود با ترفند های گوناگون در مقابل آن ها قرار گرفته و در جهت حفظ نظام سرمایه داری حاکم که منبع و منشأ همه ظلم ها و خشونت ها علیه زنان می باشد با یکدیگر مسابقه می گذارند.

چریکهای فدائی خلق همواره مبلغ اتحاد بین زنان و مردان مبارز ایران بوده اند. واقعیت این است که تنها از این طریق و در جریان یک جنبش انقلابی عمومی است که خواست های زنان تحت ستم ما که در ردیف خواست های دموکراتیک قرار دارد در کنار مطالبات دیگر طبقات و گروه های اجتماعی مطرح گشته و در چنین بستری امکان تحقق پیدا می کنند.

آینده درخشان زنان کارگر و زحمتکش و به طور کلی آینده اکثریت زنان تحت ستم ایران در گرو مبارزه دوشادوش این زنان با مردان هم طبقه خود علیه رژیم حاکم و سلطه امپریالیستی در جامعه ماست. بکوشیم در حین افشای تلاش هایی که سنگ راه این مسیر می باشند ، با قدم های هر چه محکم تر در این راه گام برداشته و در اتحاد مبارزاتی با یک دیگر مسیر انقلاب ظفرنمون ایران را برای نیل به جامعه ای فارغ از هر گونه ستم اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و از جمله ستم جنسیتی ، هموار سازیم.

نابود باد رژیم رن ستیز جمهوری اسلامی!

پیروز باد رزم دلاورانه زنان کارگر و زحمتکش!

۱۳ اسفند [حوت] ۱۳۹۴ - ۳ مارچ ۲۰۱۶